

# طالبان در روند افراطی و بنیادگرایی (نفع پاکستان از اعزام تروریزم به افغانستان ، کدام است؟؟؟) 4- (استاد صباح)



چه شیرین است وقتی بیگناهی داد خود را از خدای خویش می گیرد  
چه شیرین است .

اما من دلم میخواست اهل زور و زر ناگاه  
زهرسو راه مردم را نمی بستند و زنجیر همدلی خدا را بر نمی چیدند  
دلم میخواست

دنیا خانه مهر و محبت بود  
دلم میخواست مردم در همه احوال با هم آشتی بودند  
طمع در مال یکدیگر نمی بستند  
مراد خویش را در نامرادی های یکدیگر نمی جستند  
ازین خون ریختن ها فتنه ها پرهیز می کردند  
چو گفتاران خون آشام کمتر چنگ و دندان تیز می کردند  
چه شیرین است وقتی سینه ها از  
مهر آکنده است.

غرب عملاً در پی بزرگسازي طالبان است، هم در میدان نظامی و هم در جایگاه اجتماعی و هم در عرصه سیاسی و از چندی بدین سو مسوولین بلند پایه و رسانه های غربی از دیالوگ مذاکره و پذیرش طالبان در نظام سیاسی افغانستان صحبت می کنند. هدف این بزرگسازي چیست؟ امریکا و انگلیس به مشوره پاکستان از کارائی نظام فعلی مایوس شده اند.

طالبان یک گروه است که در خلال جنگ مردم افغانستان با اردوی شوروی سابق ( 1989- 1979 ) شکل گرفت. این گروه که قرآنتی تنگ نظرانه نسبت به مفاهیم اسلامی دارد به کمک امریکا و انگلیس وبا حمایت مالی - ایدئولوژیک عربستان سعودی به همراه مساعدت های بی دریغ پاکستان شکل گرفت. اعضای طالبان مجموعه ای از طالبان مدرسه های عرب و غیر عربی بودند که بیشتر در جنوب پاکستان مشغول فراگیری دروس مذهبی بودند که عربستان سعودی مروج آن است. این مدارس با کمک مالی دولت ریاض و در پاکستان، به ویژه جنوب این کشور به ترویج دیدگاه سلفی و وهابی می کنند. با چراغ سبز امریکا، این مجموعه کوچک به سرعت به انواع سلاح های پیشرفته تجهیز شد به گونه ای که بعد از خروج نیروهای شوروی از افغانستان و تشکیل اولین اداره تنظیمی به ریاست برهان الدین ربانی، خود را به عنوان یک تشکل رقیب نشان داد. تضاد دیدگاه مجاهدین و طالبان کار را به جایی کشاند که میان آنان نبرد در گرفت و

افغانستان در دام جنگ داخلی افتاد. نیروهای طالبان که به دلیل حمایت‌های آمریکا، عربستان و در این مقطع، پاکستان فوق‌العاده قدرتمند شده بودند به مرور بخش‌های مختلف کشور را اشغال کردند. آنان با اشغال قندهار در سال نوزده نود چهار عملاً دولتی خود خوانده با قوانین سخت بدوی در این منطقه را به اجرا گذاشتند.

مردم افغانستان که از هرج و مرج خسته شده بودند و نیاز شدیدی به استقرار نظم و قانون احساس می‌کردند در ابتدا روی خوش به طالبان نشان دادند. این گروه سرانجام در سال نوزده نودش میلادی کابل را اشغال کردند و بدین ترتیب با تصرف پایتخت، حکومت خود را در سراسر افغانستان مستقر ساختند. اگرچه در این دوران و بعد از آن مقاومت‌هایی صورت گرفت، اما قدرت مالی و نظمی طالبان به همراه نظم آهنینی که در کشور بوجود آورده بود باعث شد که ثبات و پایداری آن هر روز استحکام بیشتری یابد. با استقرار حکومت طالبان به مرور چهره خشن و ارتجاعی این گروه و قرانت سلفی- وهابی آنان از اسلام عرصه را بر مردم تنگ‌تر کرد اما کسی یارای مقابله با آن را نداشت.

حامیان طالبان نیز از حضور آنان در افغانستان خشنود بودند. رهبری طالبان با ملا عمر بود. مردی که مخالف عکس بود و آن را حرام می‌دانست و از این روی عکس‌های محدودی از او وجود دارد. در خلال جنگ‌های داخلی در افغانستان و به ویژه پس از استقرار حکومت طالبان، بن‌لادن رهبر گروه القاعده که به لحاظ ایدئولوژیک ارتباط تام با طالبان داشت به این کشور کوچ کرد. بن‌لادن که در جنگ با نظامیان شوروی از همراهان مجاهدین بود و سرمایه افسانه‌ای خود را در اختیار آنان گذاشته بود بعد از متهم شدن به بمب‌گذاری علیه منافع آمریکا مجبور به بازگشت به افغانستان شد و مورد پذیرش و پذیرایی قرار گرفت. در پی ماجرای یازده سپتامبر و مشخص شدن اجرای این عملیات توسط گروه بن‌لادن، آمریکا از طالبان خواست که بن‌لادن را تحویل دهد اما طالبان امتناع کرد. بدین ترتیب آمریکا رسماً به جنگ افغانستان و حکومت طالبان رفت. حکومت طالبان در افغانستان سرنگون شد اما غربی‌ها نتوانستند ملا عمر، را دستگیر کنند. القاعده دامنه فعالیت‌های تروریستی خود را به سراسر جهان کشاند و نیروهای وفادار به طالبان نیز همچنان به نبرد با نیروهای دولتی افغانستان و ایساف مشغولند.

درین اواخر طوره که دیده میشود غرب عملاً در پی بزرگسازي طالبان است، هم در میدان نظامي و هم در جایگاه اجتماعي و هم در عرصه سياسي و از چندي بدین سو مسوولين بلند پایه و رسانه هاي غربي از ديالوگ مذاکره و پذیرش طالبان در نظام سياسي افغانستان صحبت مي کنند. هدف این بزرگسازي چیست؟ آمریکا وانگلیس به مشوره پاکستان از کارائي نظام فعلي مایوس شده اند. دليل روي آوردن غرب به طالبان این است که در شرایط فعلي امریکا و متحدینش قصد مواجهه و رویارویی بیشتر به ایران دارند، لذا می خواهند با وساطت استخبارات پاکستان از رویارویی و خصومت بیشتر با طالبان بکاهند و نیروی را در افغانستان بقدرت برسانند که با ایران مخالفت شدید داشته باشند. چنانچه برای اولین بار شایعه مذاکره با طالبان با دولت از طریق رسانه هاي امریکایی در بیرون درز کرد و واشنگتن پست نشریه معتبر امریکایی از زبان معاون وزیر خارجه امریکا نوشت که طالبان می خواهند بعد ازین بحیث يك هسته سياسي قوي در نظام آینده افغانستان شريك شوند.

بدیهي است که امریکا می خواهد این درامه را دوباره تجربه کند. پروسه صلح يك جهت مهم قضیه تفکرات طالبان را جهت حفظ منافع شان در افغانستان قابل قبول دانسته است. این تغییر سیاست در ظاهر شکست متحدین را در مبارزه علیه تروریسم به اثبات می رساند. اعتراف به شکست: نیکولاس لنت سخنگوی ناتو در افغانستان گفت: اتکای صرف به نیروی نظامي منجر به بازگرداندن ثبات پایدار نخواهد شد. این اظهارات نشان می دهد که پیمان اتلانتیک شمالي يك قدرت شکست پذیر است، حتی کتله کوچک از ترویست ها با داشتن حمایت نظامي ومالي پاکستان و برخی کشورهای خلیج فارس می تواند ایشان را به شکست معترف سازند.

تا دو سال پیش طرح مذاکره از سوی دولت با طالبان همواره از يك موضع قوي مطرح می شد و طالبان به ترك جنگ و بازگشت به خانه و کشورشان دعوت می شدند و خبری از سهم دهی آنان در قدرت نبود، اما حالا دولت اعلان می کند اگر طالبان قانون اساسي کشور را بپذیرند در هر سطح پذیرفته می شوند، دیگر از پیروزي نظامي علیه طالبان خبری نیست، در حالیکه طالبان جز پیروزي به هیچ چیز دیگر قناعت ندارند.

طبق گزارش ملل متحد، شمار قربانیان غیرنظامی افغانستان در سال جاری نسبت به همین دوره ی زمانی در سال گذشته به گونه‌ای چشمگیر افزایش یافته است. از جنوری تا جون سال جاری حدود ۱۲۷۱ غیرنظامی کشته شدند که این رقم نسبت به شش ماهه ی نخست سال گذشته ۳۱ درصد افزایش نشان می‌دهد. بنا بر گزارش فرستاده ی ویژه ی سازمان ملل در کابل، شمار کودکان قربانی در افغانستان در سال جاری نسبت به سال گذشته ۵۵ درصد افزایش یافته است. این میزان بیش از دو برابر قربانیان کودک در همین دوره ی زمانی است. فرستاده ی ویژه ی سازمان ملل در کابل که این گزارش را تسلیم سازمان ملل کرده است، کودکان و زنان افغان را آسیب پذیرترین اقشار جامعه در درگیری‌های این کشور می‌داند. او می‌گوید، زنان و کودکان بیش از گذشته «در خانه‌ها و روستاهایشان هدف حملات قرار گرفته، کشته و زخمی می‌شوند». به گفته ی وی، کودکان حتی در افغانستان در ملاء عام اعدام می‌شوند.

مسئولیت حدود دوسوم آسیب‌ها و تلفات انسانی را طالبان و اسلام‌گرایان افراطی بر عهده دارند. بنا بر گزارش اشپیگل آنلاین، اسلام‌گرایان اغلب از غیرنظامیان به عنوان سپرهای انسانی استفاده می‌کنند. سازمان ملل گروه‌های افراطی اسلامی را مسئول کشته و زخمی شدن ۲۴۷۷ غیر نظامی در افغانستان در سال جاری می‌داند. درحالی که تلفات ناشی از حملات نیروهای ناتو و نظامیان افغانستان ۳۸۶ نفر است. نماینده‌ی ویژه‌ی سازمان ملل درکابل این واقعیت را قابل انتقاد می‌داند و می‌گوید: «اگر آنها می‌خواهند آینده‌ی این کشور را رقم بزنند باید بدانند که نمی‌توانند این راه را از میان اجساد پرشمار غیرنظامیان باز کنند». با وجود این، تلفات نیروهای دولتی و انتلاف نسبت به سال گذشته کاهش نشان می‌دهد. سازمان دیده‌بان حقوق بشر این موضوع را قابل تقدیر و حاصل سیاست‌های مثبت به کار گرفته شده می‌داند، از جمله مقررات سختگیرانه‌تر برای یورش‌های شبانه و لزوم انجام تحقیقات به هنگام کشته شدن غیرنظامیان در حملات نظامی.

## نفع پاکستان از اعزام تروریزم به افغانستان ، کدام است؟؟؟



رمان وقصه ي بربادي ام من  
حضورزنده ي بيدادي ام من  
تمامي خاطر اتم قصه ي تلخ  
گرفتاري غم آزادي ام من .

پاکستان با انتشار آمارهای رسمی اعلام کرد: در نتیجه پنجاه و چهار مورد انفجار از جمله یازده حمله انتحاری در شهرها و مناطق مختلف این کشور در سه ماهه نخست سال ۲۰۱۳ ، دست کم ۵۳۷ نفر کشته و ۱۱۰۳ نفر دیگر زخمی شدند . براساس این آمارها ، تروریست ها در سه ماهه نخست سال جدید میلادی ، یازده حمله انتحاری از جمله یک حمله درجنوری چهارحمله در فبروری وشش حمله در مارچ انجام دادند که در نتیجه آن سه صد ونوزده نفر کشته و چهارصد وشصت وشش تن دیگر زخمی شدند. براساس این گزارش در جدیدترین حمله انتحاری به یک مقرنیروهای امنیتی در شهر پیشاور در شمال غربی پاکستان روی داد، دست کم ۱۲ نفر کشته و ۱۰ نفر دیگر زخمی شدند.

استراتژی پاکستان از آغاز ایجاد خط دیورند در سال هجده نودوسه مبتنی بر مداخله در افغانستان و روی کار آوردن حکومت دست نشانده درکابل بوده است که ( آی اس آی ) مسئول اجرای این سیاست است. و هدف پاکستان آن است که افغان ها مسئله خط دیورند را فراموش کنند اما این اتفاق تا به حال نیفتاده است.

همچنین علت دیگر آن است که پاکستانی ها بر این باورند که افغانستان عمق استراتژیک پاکستان در برابر هند است. بر همین مبنا آنها به دنبال توسعه نفوذ خود در این کشور هستند .

اما در طی سالهای نزدیک گذشته با وجود حضور گسترده نیروهای خارجی همچنان شاهد تداوم ناامنی ها و عملیات تروریستی در افغانستان هستیم در این باره مقامات افغان و کارشناسان می گویند برای از بین بردن تروریسم باید با ریشه های آن در خارج مبارزه کنیم . منابع تروریسم بیش از گذشته فعال هستند و شبکه های مالی در پاکستان و برخی کشورهای عربی برای حمایت از تروریست ها ایجاد شده است به همین دلیل حامد کرزی به این تئوری آورده است که باید در درجه اول منابع مالی و مکان های آموزشی تروریست ها از بین برود. در این باره باید گفت اکنون باتوجه به

اسناد و شواهد بدست آمده، جامعه جهانی مطمئن شده است که تروریسم از آنسوی مرزها حمایت می شود بر همین اساس انتظاری رود که جامعه جهانی به رئیس جمهور پاکستان فشار بیشتری وارد کند تا در جهت کنترل محافل طرفدار تروریسم بیشتر تلاش کند.

امریکا دقیقاً از اوضاع مطلع است اما از دید امریکا یک تنش قابل کنترل باید در افغانستان وجود داشته باشد که هم منافع پاکستان را تأمین کند و همه ادامه حضور نظامی آنها را توجیه نماید. اجلاس سه جانبه امریکا و افغانستان و پاکستان تاکنون چه تأثیراتی بر اوضاع افغانستان داشته است. تاکنون بیش از ده ها اجلاس سه جانبه میان افغانستان، پاکستان و آمریکا برگزار شده است، منتها به تدریج به این فرضیه نزدیک می شویم که این سه کشور در مبارزه با تروریسم اشتراک نظر ندارند و هر کدام اهداف خاص خود را دارند. اکنون پاکستان، دولت کابل را متهم به بی کفایتی در تأمین امنیت و در مقابل افغانستان، اسلام آباد را متهم به مداخله و حمایت از تروریست ها می کند. از یکسو پاکستان در امور افغانستان مداخله می کند، اما از طرف دیگر تا اوم ناامنی در افغانستان دلایل داخلی هم دارد. از جمله آنکه به دلیل رفتار نادرست و بمباران غیر نظامیان توسط امریکایی ها به نظرمی رسد که طالبان یک برگ برنده در اختیار دارند و از این طریق مردم را به دولت بدبین می کنند.

یک مقام ارشد امنیتی هند می گوید که پاکستان در همکاری با لشکر طیبه تلاش می کند تا به منافع هند در افغانستان صدمه برساند. پس از آن که پاکستان در کشمیر موفق بر حمله بر دفاتر این کشور نشد، اکنون با همکاری لشکر طیبه، سفارت و کونسولگری های هند را در افغانستان نشانه گرفته است.

گزارش های نیز وجود دارند که سازمان استخباراتی پاکستان به کمک لشکر طیبه می خواهد حملاتی را در افغانستان راه اندازی کند و گفتگوهایی میان آنها نیز صورت گرفته است. نهادهای امنیتی پاکستان برای این که مطمئن شوند هند ماموریت های خود را در افغانستان انجام ندهد، دست به همکاری خواهند زد و تلاش خواهند کرد نقش هند را در افغانستان کاهش دهند، به همین منظور می خواهند حملات هراس افگانه را بردفاتر هند در آنجا انجام دهند. پیش از این نیز چند بار نهادهای دیپلماتیک هند در افغانستان مورد حمله قرار گرفت و حالا هم، مقام های ارشد استخباراتی هند گفته اند تدابیر ویژه ای برای تأمین امنیت نهادهای دیپلماتیک این کشور، گرفته شده است. این در حالی است که پیشتر رییس جمهور غنی در اجلاس سازمان همکاری های منطقه ای جنوب آسیا هشدار داده بود اجازه نمی دهد تا از افغانستان به عنوان میدان جنگ نیابتی استفاده شود.

پاکستان از تربیه و آموزش تروریست چه نفع برد؟ بیش از ۸۰ هزار پاکستانی از جمله ۴۸ هزار غیر نظامی در طول یک دهه گذشته در جنگ علیه تروریسم به رهبری امریکا در این کشور کشته شده اند. کمیته داکتران بین المللی برای جلوگیری از جنگ هسته ای طی گزارش اعلام کرد بیش از ۸۰ هزار پاکستانی از جمله ۴۸ هزار غیر نظامی در طول یک دهه گذشته در جنگ علیه تروریسم به رهبری امریکا در این کشور کشته شده اند.

بر اساس گزارش منتشر شده از سوی این کمیته در حدود ۱,۳ میلیون نفر در عراق، افغانستان و پاکستان در نتیجه جنگ علیه تروریسم به رهبری امریکا در طول یک دهه گذشته کشته شده اند. همچنین از سال ۲۰۰۴ تا سال ۲۰۱۳ بیش از ۸۰ هزار پاکستانی از جمله ۴۸ هزار غیر نظامی، ۴۵ روزنامه نگار، ۵۶۹۸ نیرو امنیتی و ۲۶ هزار ۸۶۲ شبه نظامی در جنگ علیه تروریسم به رهبری امریکا در پاکستان کشته شده اند.

در بخش دیگر این گزارش آمده است که در نتیجه این جنگ یک میلیون نفر در عراق و ۲۲۰ هزار تن در افغانستان جان خود را از دست داده اند. اما برخی از گزارشات حاکی از آن است که تعداد تلفات جنگ علیه تروریسم در افغانستان، پاکستان و عراق به بیش از دو میلیون نفر نیز برسد.

موضع امریکا بیش از هر کشور دیگری در زمینه امنیت افغانستان و پاکستان به ویژه افغانستان، اهمیت دارد؛ زیرا به تعبیر رییس جمهوری پیشین، امریکا و پاکستان مسؤول اصلی وضعیت جاری امنیتی در افغانستان اند و تنها همین دو کشوری توانند در افغانستان صلح را تأمین کنند؛ آنهم نه به دلیل داشتن قدرت نظامی بالا؛ بلکه به جهت سهم و نقشی که در ناامنی و قدرت گیری تروریست دارند. کم نیستند شمار تحلیلگران عقیده دارند اگر امریکا طی این سال ها به صورت مسؤولانه و واقعی با تروریست مبارزه می کرد و تمامی توان و امکانات نظامی و استخباراتی اش را برای سرکوب تروریست مورد استفاده قرار می داد و دوگانه رفتاری و برخورد های گزینشی و مبهم و مشکوک در این زمینه را کنار می گذاشت، اکنون هم افغانستان و هم پاکستان، وضعیت امنیتی به مراتب بهتری داشتند.

با این حال، از یاد نمی بریم که طرف دیگر این معادله پاکستان است. پاکستان حامی بزرگ تروریست در منطقه است و این حقیقت بر امریکا نیز پوشیده نیست؛ اما با وجود این موضوع، امریکا هیچگاه سعی نکرده است مواضع پاکستان در زمینه تأمین مالی و تسلیحاتی و اعطای پناهگاه و پرورشگاه به تروریست ها را به چالش بکشد و آن را به عنوان مانعی بزرگ فراراه مبارزه با تروریست، مورد حمله قرار دهد. این امر بر ابهام مبارزه با تروریست می افزاید. رویداد اخیر پیشاور اما پاکستانی ها را یکبار دیگر متوجه ابعاد خطر آفرین کاری که در حمایت از تروریست می کنند کرد و

این حقیقت را مورد تاکید مجدد قرار داد که تروریسم دست آموزپاکستان که در زیر چتر اطلاعاتی امریکا با حمایت های مستقیم دستگاه های نظامی و جاسوسی اسلام آباد، سال هاست شاخ و برگ یافته و ریشه های نیرومندی پیدا کرده است، فقط افغانستان و دولت و مردم کشور ما را آماج قرار نمی دهد؛ بلکه اکنون به اندازه ای نیرومند شده است که برای دست یافتن به قدرتی برابر با نهادهای ملی پاکستان در درون آن کشور نیز مبارزه و تکاپو می کند .

فلسفه وجودی تحریک طالبان پاکستان نیز همین امر است. این تشکل به منظور اسلامی سازی پاکستان با قرانت منحصر به فردی که خود از اسلام دارد تلاش می کند و از قضا مورد حمایت های وسیع احزاب و جریان های سیاسی و مذهبی و حتی مردم آن کشور نیز قرار دارد . با این حساب، مبارزه با چنین تروریسمی نیز نیازمند یک برنامه ریزی بلندمدت با مشارکت همه طرف هایی است که تاکنون به هر دلیل از همراهی با این ماموریت، طفره رفته اند .

هم امریکا و هم پاکستان، هم اکنون، اگرچه دیر، این هشدار را باید جدی بگیرند که مبدا دوگانه رفتاری و پنهانکاری در مبارزه گزینشی با تروریسم را به اندازه ای طولانی کنند که روزی فرارسد که دیگر نتوانند قدرت تروریست ها را نادیده بگیرند؛ روزی که همه جا پیشاور شود.